

یک دوجین طرح برای ساختن بهانه حمله به ایران، در دفتر دیک چینی

نگاهی به تازه ترین کنفرانس سیمور هرش

محمد علی اصفهانی

۱۶ مرداد ۱۳۸۷

۶ اوت ۲۰۰۸

www.ghoghnoos.org

سایت معتبر گلوبال ریسرچ که به وسیله ی پروفیسور میشل شاسوداوسکی و همکارانش اداره می شود، در دوّم اوت، قسمت هایی از آنچه را سیمور هرش نتوانسته است در تازه ترین مقاله ی خود در باره ی تلاش آمریکا برای حمله به ایران با عنوان «آماده سازی میدان جنگ» بیاورد منتشر کرده است. طبق اطلاعات سیمور هرش، اخیراً در یک گردهم آیی نمایندگان عالیرتبه ی دم و دستگاه بوش، در دفتر کار دیک چینی، طرح های مختلفی برای تحریک کردن تصنعی جنگ علیه ایران مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله این طرح که یک کماندو متشکل از افراد ویژه و برگزیده ی نیروی دریایی آمریکا خودشان را به صورت افراد نیروی زمینی ایران در آورند و سوار بر چند قایق شبیه سازی شده به قایق های ایرانی، به کشتی های امریکایی شلیک کنند و از این طریق، به حمله ی آمریکا به ایران ضرورت و مشروعیت دهند.

در اوایل ژانویه ی امسال که از یک «درگیری میان قایق های ایرانی با کشتی های امریکایی در تنگه ی هرمز» سخن به میان آمد، چند مقاله در زمینه ی راست و دروغ این «درگیری» و مقایسه ی آن با آنچه به «درگیری های خلیج تانکن» معروف است ترجمه و همراه با تفصیلات لازم منتشر کرده بودم. با این توضیح که: «درک واقعیت ماجرای «حادثه» ی مرموزو پر از تناقض گویی های هر دو طرف قضیه،

که درست در آستانه ی سفر بوش به خاورمیانه، در تنگه ی هرمز اتفاق افتاد نیاز به زمان دارد.

چند تن از تحلیلگران سیاسی معروف جهان، از جمله Stephen Lendman در شیکاگو، که از همکاران و همراهان پروفیسور میشل شاسوداوسکی مدیر مرکز معرف Global Research است، و Alain Dreneau روزنامه نگار فرانسوی، شباهت های خطرناکی را میان این حادثه و آنچه به عنوان «حوادث خلیج تانکین» معروف شده است و در سال ۱۹۶۴ عامل تصعید کیفی جنگ آمریکا در ویتنام شد می بیند و نسبت به آن هشدار می دهند.» (۱)

فیلیپ جیرالدی، از مقامات عالی رتبه ی سابق سی آی ای که دیگر در حال حاضر با محافل ضد جنگ همکاری می کند با اشاره به همین موضوع نوشته بود که: «اطلاعات و افشاگری های متعدد در باره ی «حادثه ی تنگه ی هرمز»، در ششم ژانویه ی امسال، نشان داد که ماجرا - به آن صورتی که بیان شده است - قصه یی است ساخته و پرداخته ی پنتاگون.

«اما این امر، مانع از سخنان خشم آلود دستگاه بوش، و نیز کاندیدا های جمهوریخواه انتخابات پیش روی ریاست جمهوری آمریکا، نسبت به ایران، در این مورد نشد. حتی یکی از این کاندیدا ها اظهار داشت که اگر نیرو های ایرانی، کمی بیشتر به ناو های آمریکایی نزدیک شده بودند، مستقیماً به بهشت فرستاده می شدند.» (۲)

خود سیمور هرش هم طبق همین مقاله ی گلوبال ریسرچ - به صورتی به اندازه ی کافی گویا - در زمینه ی آن «درگیری» مشکوک چنین اظهار نظر می کند که بوش در آن ایام می بایست به خاورمیانه سفر کند، و به ترفندی نیاز بود...

به نوشته ی گلوبال ریسرچ، سیمور هرش، در کنفرانسی که در چند روز پیش، در Campus Progress journalism آمریکا تشکیل شده بود، اظهار داشت که از جمله پی آمد های آن واقعه، یکی هم گردهم آیی اخیر در دفتر دیک چینی است که مطابق منابع اطلاعاتی سیمور هرش، طی آن یک دوجین پیشنهاد و طرح در باره ی چگونگی تحریک کردن آمریکا به حمله به ایران مورد بررسی قرار گرفت. موضوع همه ی این طرح ها این بود که چگونه می توان کاری کرد که آتش جنگ در بگیرد.

در این کنفرانس از هرش خواسته شد که در باره ی این امر، به صورتی مشروح تر حرف بزند. هرش توضیح داد که در میان این یک دوجین پیشنهاد و طرح، آنچه بیش تر از بقیه توجه مرا به خود جلب کرد این پیشنهاد بود:

ما، در کارخانه ی کشتی سازی خودمان چهار یا پنج کشتی شبیه به کشتی های کوچک کشتی ایران بسازیم. و بعد، تعدادی از افراد ویژه ی نیروی دریایی خودمان را به شکل و شمایل ایرانی ها درآوریم و همراه با مقدار زیادی سلاح، سوار این کشتی ها کنیم و در منطقه به ره بیاندازیم.

آن وقت، یکی از کشتی های واقعی خودمان را به تنگه ی هرمز بفرستیم و تیراندازی شروع شود.

این طرح، گرچه می توانست کارساز باشد، نوعی آتش گشودن بر خود می بود و منجر به تعدادی تلفات جانی می شد. و از این رو مورد موافقت قرار نگرفت. به خصوص که یکی از درس هایی که دستگاه بوش در واقعه ی ژانویه ی امسال تنگه ی هرمز آموخت این بود که مردم آمریکا وقتی از بلند شدن تق و توق سلاح ها حمایت می کنند که حادثه یی واقعی رخ داده باشد.

هرش رو به جمعیت کرد و گفت:

نگاه کنید! آیا اینجا یک مدرسه ی بزرگ نیست؟ البته که هست! با پنج هزار کلاهدک اتمی! آیا ما، در اینجا بازی نمی کنیم؟ البته که می کنیم! بله، ما داریم بازی می کنیم. حالا به من بگویید اولین بچه ی زرنگی که می تواند با ما از اینجا به سمت ایران، گریز و میانبر بزند کیست؟

هرش حذف کردن مطالبی که در این کنفرانس گفت را از مقاله اش در نیورکر توسط سردبیر (با این بهانه که به هرحال این طرح، کنار گذاشته شده است) قابل درک دانست؛ اما در همان حال گفت:

«من همیشه این طور فکر می کنم که یک ادیتور مثل یک موش خانگی می ماند که تمرین موش صحرایی شدن می کند.»

و البته، از آنجایی که گاهی اصطلاح «موش صحرایی» را برای رفیق نیمه راه به کار می برند، معنای کنایه ی شیطنت آمیز سیمور هرش را بهتر می توان فهمید!

۱ - از خلیج تانکین در ۱۹۶۴ تا خلیج فارس در ۲۰۰۸ نوشته ی آلن درنو:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar06/iran-tonkin.html>

۲ - دیک چینی دوباره برای حمله به ایران، خیز برداشته است! - نگاهی به مقاله ی

فیلیپ چیرالدی:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar06/chenev-iran210108.html>

پاره یی از مفسّران، آنچه سیمور هرش در این کنفرانس، پرده از آن برداشت را با
ماجرایی دیگر مقایسه می کنند: ماجرای ۲۱ اوت ۱۹۳۹ در آلمان.
به اختصار، ماجرا چنین بود که دستگاه هیتلر، چند سرباز آلمانی را با لباس سربازان
لهستانی به یک مرکز فرستنده ی رادیویی آلمان در مرز لهستان فرستاد تا از پشت
رادیو، مردم لهستان را به مسلح شدن به منظور سرنگون کردن هیتلر فرا خوانند. و چند
روز بعد از آن، با تبلیغ بر روی همین موضوع ساخته و پرداخته ی خودش، به لهستان
حمله کرد و بر آتش جنگ جهانی دوّم دمید.